

رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و راهبردهای مقابله به واسطه‌گری سبک‌های هیجانی در مادران پسران نوجوان

سودابه بساک‌نژاد^{۱*}، عیدان یونسی^۲ و خالد جنادله^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه بین سبک‌های فرزندپروری مادران و راهبردهای مقابله با استرس به واسطه‌گری سبک‌های هیجانی مادران انجام شد. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی و تحلیل مسیر بود. جامعه آماری کلیه مادران دانش‌آموزان پسر نواحی مختلف شهر اهواز بودند که به روش نمونه‌گیری تصادفی مرحله‌ای ۱۶۰ مادر انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه سبک‌های هیجانی مادرانه سگوین و کاپلان، پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند و پرسشنامه راهبردهای مقابله اندلر و پارکر بودند. یافته‌ها نشان داد که بین سبک هیجانی مادرانه آماده‌ساز، سبک فرزندپروری مقتدرانه و راهبرد مقابله حل مسأله رابطه مثبت معنادار و با سبک فرزند پروری مستبدانه رابطه منفی داشت. همچنین سبک هیجانی مادرانه طردگرا با سبک فرزندپروری مقتدرانه و راهبرد مقابله حل مسأله رابطه منفی معنادار و با سبک فرزندپروری مستبدانه و راهبرد مقابله مثبت داشت. بنابراین، آموزش سبک‌های هیجانی آماده‌ساز به مادران می‌تواند در ارتباط مؤثر والد - نوجوان مفید باشد.

کلید واژه‌ها: پسران نوجوان، راهبردهای مقابله با استرس، سبک‌های فرزندپروری، سبک‌های هیجانی مادرانه

۱. *نویسنده مسئول: دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران s.bassak@scu.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران eydanyounesy@yahoo.com

۳. کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران kh.jenadeleh61@gmail.com

تاریخ ارسال: ۱۳۹۷-۱۲-۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸-۱۲-۲۳

مقدمه

برای بیش از دو دهه محققان فلسفه فراهیجانی والدین^۱ بر نقش سبک‌های هیجانی خانواده و نفوذ آن بر شکل‌گیری فعالیت‌های هیجانی و خودتنظیمی هیجانی کودکان کار می‌کنند. بر اساس این فلسفه، باورها، افکار و اسنادهای هیجانی والدین هدایت‌گر رفتارهای اجتماعی-هیجانی کودکان هستند و مادران نقش اثرگذاری در سلامت هیجانی، ابراز هیجانی و شکل‌دهی احساسات فرزندان دارند (دانسمور، بوکر، اولندینگ و گرین^۲ (۲۰۱۵). گاتمن، کاتز و هوون^۳ (۱۹۹۶)، فلسفه فراهیجانی والدین را مجموعه‌ای سازمان‌یافته از عواطف و افکار والدین در مورد هیجان‌های خود و فرزندان می‌دانند که بر سه محور اصلی انتقال افکار و احساسات والدین درباره هیجان‌اتشان به افکار و احساسات هیجانی فرزندان، اثر افکار و ایده‌های هیجانی مثبت و منفی والدین در اجتماعی شدن هیجانی فرزندان و ابعاد جدید فرزندپروری هیجانی والدین در جهت سازگاری هیجانی-اجتماعی کودکان است. بنابراین، می‌توان ابراز هیجانی والدین را به دو دسته والدین با واکنش‌های هیجانی حمایت‌گرایانه (تشویق به ابراز هیجان‌ات) و والدین با واکنش‌های هیجانی غیرحمایت‌گرایانه (تنبیه ابراز هیجانی فرزند و گرایش به بی‌اعتنایی به هیجان‌ات فرزندان) تقسیم کرد (هی، گیورترز و دورکین^۴، ۲۰۱۵). مبتنی بر فلسفه فراهیجانی، دو نوع سبک آماده‌ساز هیجانی^۵ و سبک طردگرایی هیجانی^۶ در تعامل با فرزندان مطرح می‌شود (گاتمن و همکاران، ۱۹۹۶). سبک هیجانی آماده‌ساز، به معنای گفتگو با فرزند خود با کلمات دارای بار عاطفی مثبت و آرام‌بخش است. چنین والدینی به هنگام ظهور هیجان‌های منفی، مثل خشم و غم در فرزندان خود این لحظات را فرصتی برای همدلی و آموزش کنترل هیجانی می‌دانند. این والدین به فرزندان کمک می‌کنند تا هیجان‌ات خود را نام‌گذاری کنند و به هنگام وقوع تعارضات هیجانی به آن‌ها یاری می‌رسانند. داشتن دانش کافی در مورد هیجان‌ها، شیوه کنترل و اعتقاد به ارزشمند بودن هیجان‌ات منفی متناسب با موقعیت و انتقال این دانش و باور به فرزندان، به آن‌ها کمک می‌کند تا در موقعیت‌های هیجانی پراسترس

-
1. meta emotion philosophy
 2. Dunsmore , Booker, Ollendick and Greene
 3. Gottman, Katz and Hooven
 4. He, Gewirtz and Dworkin
 5. emotion coaching style
 6. emotion dismissing style

آن را کنترل کنند (هرناندز، اسمیت، دی، نیل، دانسمور^۱، ۲۰۱۸). برخی دیگر از والدین در تعامل با فرزندان خود، سبک هیجانی طردگرا دارند. این والدین درک ضعیفی از هیجانات خود و فرزندان خود دارند و بر این باورند که کودکان نباید هیجانات منفی را تجربه کنند، زیرا این هیجان‌ها آزاردهنده، منفی و بی‌فایده هستند. این والدین اعتقادی به تجربه کردن این هیجان‌های منفی از سوی فرزندان خود ندارند. در نظر آن‌ها ابراز هیجان‌های ناخوشایند، مانند خشم و غم از سوی فرزندان به معنای این است که یک وضعیت ناخوشایند در محیط پیش آمده است و باید هر چه زودتر آن را تغییر داد و از آن اجتناب کرد تا آرامش برقرار شود (هارل، هووینگ و هادسون^۲، ۲۰۱۷). یافته‌های پژوهشی کرونیس-توسکانو، لوئیس-مورارتی، وودز، اوبراین، مازورسکی-هورویتز و توماس^۳ (۲۰۱۶) نشان می‌دهند که در اختلالات نقص توجه و بیش‌فعالی نیز با بهره‌گیری از روش آموزش آماده‌ساز هیجانی می‌توان تغییر در رفتارهای ناسازگار این کودکان ایجاد کرد. بنابراین، والدین آماده‌ساز هیجانی راهبردهای خودتنظیمی هیجانی را از طریق گفتگو و ابراز هیجانی به فرزندان می‌آموزند. این کودکان برای ابراز هیجانی، رقابت سالم اجتماعی و بیان احساسات مثبت آموزش می‌بینند. بنابراین، بیشتر می‌خندند، کم‌تر هم‌کلاسی‌های خود را تمسخر می‌کنند، همدردی بیشتری با دیگران می‌کنند و رفتارهای سازگارانه‌تری نشان می‌دهند. یافته‌های جین، ژانگ و هان^۴ (۲۰۱۷) نشان می‌دهد که والدین چینی کودکان پیش‌دستانی نیز با درک هیجانی کودکانشان و با یک سبک آماده‌ساز هیجانی توانستند پرخاشگری و مشکلات هیجانی فرزندان را کنترل کنند.

سگین^۵ (۲۰۱۶) نیز تأکید می‌کند که آموزش‌های هیجانی والدین می‌تواند با شیوه‌های فرزندپروری مرتبط باشد. سبک‌های فرزندپروری شامل نگرش‌های والدین، رابطه والد فرزند و نحوه انضباط در خانواده است که در رشد عاطفی و اجتماعی کودکان نقش دارند. بر این اساس، سبک‌های فرزندپروری را می‌توان به سه دسته مستبدانه (با سخت‌گیری، اطاعت کورکورانه از والدین و ارائه انضباط غیرمنعطف) مقتدرانه (رفتاری مقتدرانه با کودک، اجازه

1. Hernandez, Smith, Day, Neal and Dunsmore

2. Harrel, Houwing and Hudson

3. Chronis-Tuscano, Lewis-Morrarty, Woods, O'Brien, Mazursky- Horowitz and Thomas

4. Jin, Zhang and Han

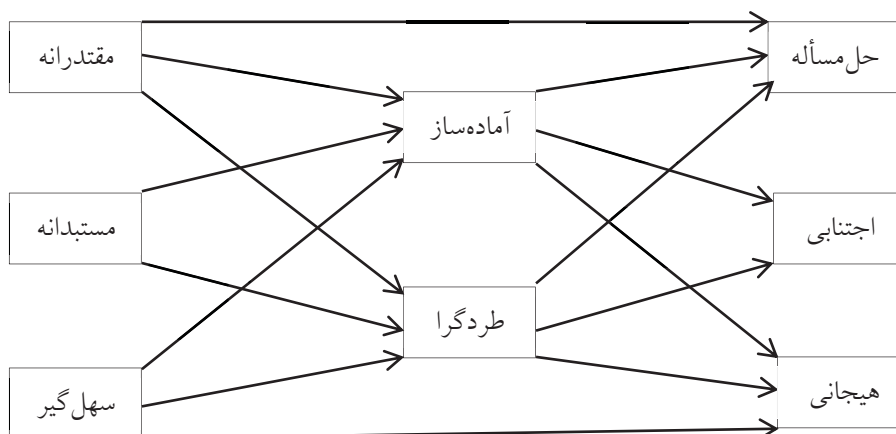
5. Seguin

حق اعتراض و اظهار نظر به کودک، شیوه‌های انضباطی روشن و واضح با دلایل اجرای آن) و آسان‌گیر (واکنش‌پذیری سریع در قبال تقاضاهای روزمره کودک، کنترل ضعیف بر رفتارهای کودک و آشفتگی و بی‌نظمی در خانواده) تقسیم کرد. وقتی والدین حمایت‌کننده هیجانات منفی کودکان باشند با مشکلات رفتاری و افسردگی کمتری در کودکان مواجه می‌شوند. یافته‌های پژوهشی زراءنژاد، آنولا، کیورو، مولولا، معظمی-گودرزی^۱ (۲۰۱۵) و آنولا روسونن، ویجارانتا و نومی^۲ (۲۰۱۵) نشان می‌دهد که سبک فرزندپروری گرم، صمیمی و عاطفی همراه با کنترل رفتاری مثبت به رشد هیجانی کودک و ابراز هیجانات مثبت در آن‌ها منجر می‌شود. وقتی والدین محدودیت‌هایی را در بیان‌گری هیجانی در شیوه‌های فرزندپروری خود به‌کار می‌برند و کنترل‌گر و سخت‌گیرانه هستند، فرزندانشان با هیجانات منفی مواجه می‌شوند. یافته‌های پژوهشی گس، رز و گیلبرت^۳ (۲۰۱۵) نشان می‌دهد که والدین با سبک تربیتی مقتدرانه، علاوه بر کنترل رفتارهای کودکان، برای خواسته‌هایی که از فرزندان خود دارند نیز از دلایل و توضیحات منطقی استفاده می‌کنند و قواعد آشکاری را برای رفتار مناسب با فرزندان خود توصیف می‌کنند. این سبک فرزندپروری با پیامدهای مثبت همچون پیشرفت تحصیلی بالا، اعتماد به نفس بیشتر در حل مسائل و روابط بهتر با همسالان رابطه دارد. مادرانی که سبک فرزندپروری مستبدانه متمرکز بر تحکم محض خود را بر فرزندان اجرا می‌کنند هیچ‌وقت توجهی به نیازهای عاطفی فرزندان خود ندارند. به این دلیل که آن‌ها به دنبال کسب اطمینان از اجرای بی‌چون و چرای دستوراتشان از طرف فرزندان خود هستند. بنابراین، از این مادران انتظار می‌رود که به احتمال زیاد ویژگی‌های سبک هیجانی طردگرا داشته باشند یعنی سعی دارند هرچه زودتر از هیجان‌های منفی فرزندان در جهت کسب آسایش خود خلاص شوند. کاسترو، هالبرستاد، لوزادا و کریگ^۴ (۲۰۱۵) گزارش می‌کنند باورها و مهارت‌های هیجان‌مدار والدین پیش‌بینی‌کننده توانایی بازشناسی هیجانی کودکانشان و نحوه رویارویی با استرس‌ها است. یافته‌های پژوهشی هارل و همکاران (۲۰۱۷) با بررسی روی گروهی از کودکان اضطرابی نشان می‌دهد که والدین مضطرب سبک هیجانی طردگرای هیجانی دارند و

-
1. Zarra-Nezhad, Aunola, Kiura, Mllola and Moazemi-Goodarzi
 2. Aunola, Ruusunen, Vijaranta and Numi
 3. Gus, Rose and Gilbert
 4. Castro, Halbrestadt, Lozada and Craig

کم‌تر نوجوان خود را در چالش‌های هیجانی قرار می‌دهند و تنظیم هیجانی ضعیفی در فرزندانشان شکل می‌دهند. وقتی والدین به هیجانات کودکشان واکنش نشان دهند و در قبال استرس‌های روزمره راهبرد مقابله‌ای مسأله‌مدار داشته باشند کودکانشان به راهبرد مقابله‌ای سازنده گرایش پیدا می‌کنند و برای حل استرس از تفکر مثبت بهره می‌برند. در مقابل والدین هیجانی طردگرا با واکنش‌های تنبیهی در قبال هیجانات کودکشان آن‌ها را به سوی راهبرد مقابله‌ای اجتنابی هدایت می‌کنند. از جهتی دیگر هارل، هدسون و اسکنیرینک^۱ (۲۰۱۵) و انگلند-ماسون و گونزالز^۲ (۲۰۲۰) در پژوهش خود دریافتند که کیفیت تعاملات هیجانی والدین، اثر مستقیمی بر سازگاری روانی-اجتماعی فرزندان آن‌ها و از جمله سازگاری با موقعیت‌های استرس‌زا دارد. با توجه به پژوهش‌هایی که در حوزه روابط والد-کودک انجام شده است در این راستا هدف پژوهش حاضر تعیین نقش میانجی‌گری سبک‌های هیجانی مادرانه در روابط میان سبک‌های فرزندپروری و راهبردهای مقابله‌ای در مادران دارای پسر نوجوان بود. مدل مفهومی در شکل ۱ قابل مشاهده است.

راهبردهای مقابله‌ای سبک‌های هیجانی سبک‌های فرزندپروری



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

1. Hurrell, Hudson and Schniering
2. England-Masson and Gonzalez

فرضیه‌های مدل پژوهش حاضر شامل موارد زیر است:

۱. رابطه‌ی علی بین سبک‌های فرزندپروری و راهبردهای مقابله به واسطه‌ی سبک هیجانی مادرانه آماده‌ساز بر مادران دارای پسر نوجوان وجود دارد.
۲. رابطه‌ی علی بین سبک‌های فرزندپروری و راهبردهای مقابله به واسطه‌ی سبک هیجانی مادرانه طردگرا بر مادران دارای پسر نوجوان وجود دارد.

روش

پژوهش حاضر توصیفی با طرح همبستگی مبتنی بر تحلیل مسیر بود. جامعه‌ی پژوهش شامل مادران کلیه‌ی دانش‌آموزان پسر دوره‌ی دوم دبیرستان بود. نمونه‌ی پژوهش به روش تصادفی مرحله‌ای از میان مادران دارای دانش‌آموز پسر نواحی چهارگانه شهر اهواز سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ و بر اساس ملاک‌های ورود به این پژوهش شامل داشتن فرزند پسر شاغل به تحصیل، عدم سابقه بیماری روان‌پزشکی در مادران، داشتن سواد خواندن و نوشتن برای تکمیل پرسشنامه‌ها، انتخاب شدند. میانگین سن مادران شرکت‌کننده ۳۸/۵ و سطح تحصیلات بین سواد خواندن و نوشتن تا کارشناسی متغیر بود. پس از کسب مجوز از آموزش و پرورش شهرستان اهواز ابتدا به شکل تصادفی دو ناحیه و سپس از هر ناحیه به تصادف دو دبیرستان دولتی انتخاب و با مراجعه به دبیرستان‌ها از هر کدام به تصادف دو کلاس و با همکاری مدیران و مشاوران مدرسه در صورت تمایل مادران فقط به نیمی از آن‌ها پرسشنامه داده می‌شد. برای انتخاب حجم نمونه هنگامی که متغیرهای مشهود در مدل (۱۰) - (۱۵) متغیر باشد، حجم نمونه باید بین ۲۰۰ - ۴۰۰ نفر باشد (کلین^۱، ۲۰۱۱). در پژوهش حاضر ۸ متغیر مشهود وجود داشت و حدود ۱۲۰ شرکت‌کننده کفایت می‌کرد، ولی برای کاهش احتمال افت شرکت‌کننده ۱۶۰ نفر وارد تحلیل نهایی شدند. برای رعایت ملاحظات اخلاقی از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا از نوشتن نام و نام‌خانوادگی خودداری کرده و به آن‌ها اطمینان داده شد که اطلاعات آن‌ها محرمانه خواهد ماند و در صورت تمایل می‌توانند پژوهش را ترک کنند. برای تحلیل آماری از نرم‌افزار لیزرل نسخه ۸/۸ روش تحلیل مسیر استفاده شد. ابزار اندازه‌گیری پژوهش عبارت بودند از:

پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند^۱ (BPSI): این پرسشنامه را بامریند (۱۹۶۷) ساخته و دارای ۳۰ گویه است که ۱۰ گویه سبک سهل‌گیرانه، ۱۰ گویه سبک مستبدانه و ۱۰ گویه سبک مقتدرانه به امر پرورش فرزند مربوط می‌شود. والدین نظر خود را در یک مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت از صفر (کاملاً مخالفم) تا ۴ (کاملاً موافقم) اعلام می‌کنند. حداقل نمره صفر و حداکثر نمره ۴۰ است. شرکت‌کننده سه نمره مجزا در هریک از سبک‌های این پرسشنامه به دست می‌آورند. مدهو و دیمپل^۲ (۲۰۱۷) روی گروهی از مادران دانش‌آموزان ابتدایی ضریب پایایی به روش آلفای کرونباخ را در کل این پرسشنامه برابر با ۰/۸۱ گزارش می‌کنند. همچنین ضریب روایی آن را با استفاده از نرم افزار ایموس^۳ و روش تحلیل عامل تأییدی مطلوب گزارش می‌کنند. در پژوهش حاضر پایایی خرده‌مقیاس‌های این پرسشنامه را به روش آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس سهل‌گیرانه ۰/۷۱، خرده‌مقیاس مستبدانه ۰/۸۲ و خرده‌مقیاس مقتدرانه ۰/۷۵ به دست آمد. همچنین روایی این ابزار روی دانش‌آموزان پسر به روش تحلیل عامل تأییدی و با استفاده از ایموس انجام شد و شاخص‌های برازش IFI، GFI، CFI، NFI به ترتیب برابر با ۰/۹۶، ۰/۹۲، ۰/۹۶، ۰ و ۰/۹۳ و اعدادی نزدیک به یک به دست آمد و جذر میانگین مجذورات خطای تقریب RAMZEA نیز در حد ۰/۱۶ است که ملاک مقدار نزدیک به صفر را دارا است. این یافته‌ها روایی مطلوب این پرسشنامه را نشان می‌دهد.

پرسشنامه راهبردهای مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا^۴ (CISS): اندلر و پارکر^۵ (۱۹۹۴) این پرسشنامه را با هدف ارزیابی انواع سبک‌های مقابله‌ای افراد در موقعیت‌های استرس‌زا به سه صورت سبک‌های مقابله‌ای مسأله‌مدار، هیجان‌مدار و اجتنابی طراحی کردند. این آزمون شامل ۴۸ گویه است که هر ۱۶ گویه به یکی از ابعاد مقابله مربوط است و پاسخ به هر گویه بر اساس یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرتی از هرگز ۱ تا خیلی زیاد ۵ مشخص می‌شود. اندلر و پارکر (۱۹۹۴) با تأکید بر توانایی این پرسشنامه در ارزیابی تفاوت‌های فردی در سبک مقابله با موقعیت‌های مختلف به توان بالای آن برای ارزیابی وضع مقابله‌ای اشاره می‌کنند. شکری،

-
1. Baumrind Parenting Style Inventory (BPSI)
 2. Madhu and Dimple
 3. AMOS
 4. Coping Inventory for Stressful Situation (CISS)
 5. Endler and Parker

تقی‌پور، گراوند، پاییزی، مولایی و همکاران (۱۳۸۷) روی گروهی از دانشجویان دانشگاه، ضریب پایایی به روش آلفای کرونباخ را بین ۰/۷۰ - ۰/۸۶ و با استفاده از تحلیل عامل تأییدی برازندگی این پرسشنامه را مطلوب گزارش می‌کنند. در پژوهش حاضر نیز پایایی این ابزار به روش آلفای کرونباخ به ترتیب برای خرده‌مقیاس‌های مسأله‌مدار، هیجان‌مدار و اجتنابی به ترتیب برابر با ۰/۸۳، ۰/۸۶ و ۰/۷۹ به دست آمده است. برای بررسی روایی این پرسشنامه نیز از روش تحلیل عامل تأییدی استفاده شد. شاخص‌های برازش GFI، IFI، CFI و NFI به ترتیب برابر با ۰/۹۴، ۰/۹۵، ۰/۹۶ و ۰/۹۳ که ملاک نزدیک به یک را دارا هستند و جذر میانگین مجذورات خطای تقریب، RAMZEA نیز ۰/۰۲۲ بود که ملاک مقدار نزدیک به صفر را دارا است.

پرسشنامه سبک‌های هیجانی مادرانه^۱ (MESQ): این پرسشنامه را لاگاسه-سگوین و کاپلان^۲ (۲۰۰۵)، برای سنجش دو سبک هیجانی مادرانه آماده‌ساز و طردگرا به کار برده‌اند. این پرسشنامه از ۷ گویه برای سنجش سبک هیجانی آماده‌ساز و ۷ گویه برای سنجش سبک هیجانی طردگرا است. شرکت‌کنندگان با مطالعه هر گویه پاسخ خود را در یک مقیاس پنج درجه‌ای لیکرتی از ۱ (هرگز) تا ۵ (همیشه) تعیین می‌کنند. حداقل نمره در هر یک از خرده مقیاس‌ها ۷ و حداکثر نمره در هر کدام ۳۵ است. ضریب پایایی این پرسشنامه را به روش آلفای کرونباخ برای سبک هیجانی مادرانه آماده‌ساز و طردگرا به ترتیب برابر با ۰/۹۲ و ۰/۹۰ گزارش کرده‌اند. در ایران نیز سلیمانی و بشاش (۱۳۹۱)، ضریب پایایی به روش آلفای کرونباخ را برای سبک هیجانی مادرانه آماده‌ساز و طردگرا به ترتیب برابر با ۰/۸۵ و ۰/۹۰ برای گزارش می‌کنند. در پژوهش حاضر نیز ضریب پایایی به روش آلفای کرونباخ به ترتیب برای سبک‌های هیجانی مادرانه آماده‌ساز و طردگرا برابر با ۰/۸۷ و ۰/۸۵ به دست آمد. شاخص‌های برازندگی مطلوب تحلیل عامل تأییدی هم نشان‌دهنده روایی خوب این ابزار بودند. این شاخص‌های برازش شامل (۰/۹۱) GFI، (۰/۹۵) IFI، (۰/۹۲) CFI و (۰/۹۳) NFI، که ملاک مطلوب نزدیک به یک را دارا بودند و شاخص جذر میانگین مجذورات خطای تقریب RAMZEA نیز در حد ۰/۰۱۳ به دست آمد.

-
1. Maternal Emotional Styles Questionnaire
 2. Lagace-Seguin and Coplan

یافته‌ها

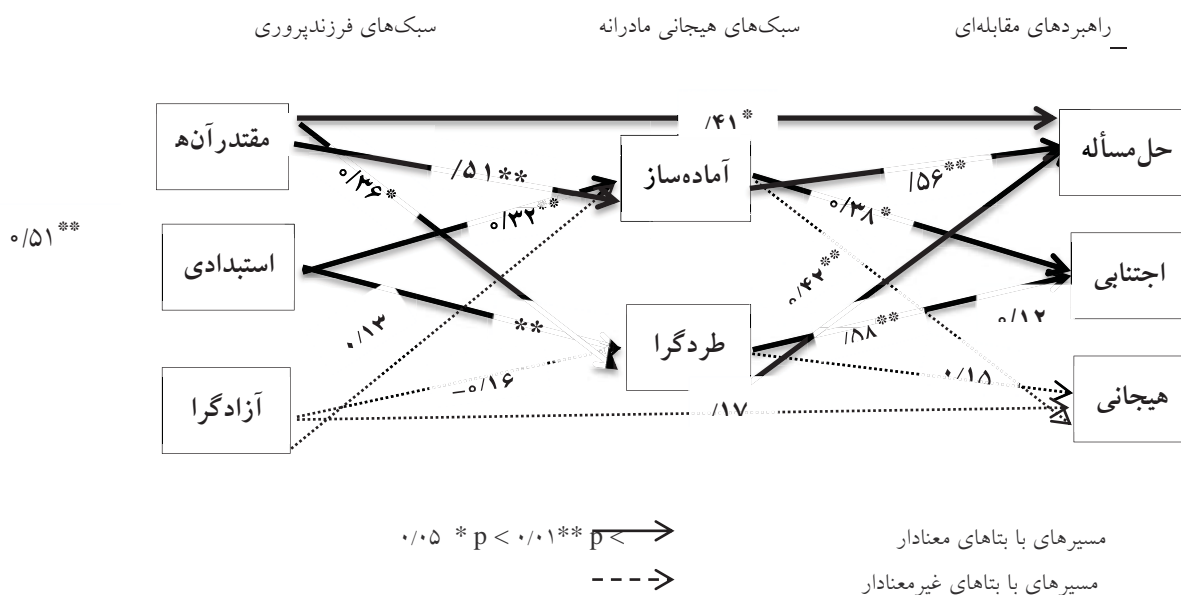
در جدول (۱) نتایج میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش نشان داد که بین سبک هیجانی مادرانه آماده‌ساز و سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه مثبت معنادار و با سبک‌های مستبدانه و سهل‌انگار رابطه منفی معناداری وجود دارد. همچنین سبک هیجانی مادرانه آماده‌ساز با راهبرد مقابله اجتنابی رابطه مثبت معنادار و با راهبرد مقابله مستبدانه و سهل‌انگار رابطه مثبت معناداری دارد. اما بین سبک هیجانی مادرانه آماده‌ساز با راهبرد اجتنابی رابطه منفی معناداری مشاهده نشد. بین سبک هیجانی مادرانه طردگرا با سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه منفی معنادار و با سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌انگار رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

جدول ۱: میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	M	SD	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱- سبک اقتدارگرا	۳۲/۲۸	۳/۹۱	۱							
۲- سبک استبدادی	۱۴/۱۸	۲/۰۶	-۰/۲۰۱	۱						
۳- سبک آزادگرا	۱۵/۲۵	۲/۸۶	-۰/۴۰۶	۰/۰۹۶	۱					
۴- سبک هیجانی آماده‌ساز	۲۶/۳۳	۳/۳۲	۰/۵۵۹	-۰/۲۵۲	-۰/۳۸۵	۱				
۵- سبک هیجانی طردگرا	۱۹/۰۸	۲/۶۴	-۰/۴۵۵	۰/۲۷۷	۰/۴۰۵	-۰/۳۱۴	۱			
۶- راهبرد مسأله‌مدار	۵۹/۷۴	۵/۳۵	۰/۵۷۷	-۰/۴۲۲	-۰/۳۸۵	۰/۷۵۹	-۰/۴۵۶	۱		
۷- راهبرد اجتنابی	۴۱/۷۷	۶/۲۹	-۰/۳۹۷	۰/۲۶۹	۰/۲۶۱	-۰/۲۶۹	۰/۴۵۸	-۰/۲۶۶	۱	
۸- راهبرد هیجانی	۴۳/۲۳	۵/۴۴	-۰/۰۶۸	۰/۳۲۹	۰/۱۴۰	-۰/۱۴۶	۰/۰۷۰	-۰/۲۲۹	۰/۲۵۹	۱

یافته‌های مربوط به آزمودن مدل مفهومی پژوهش در شکل (۲) نشان می‌دهد که از بین تمام مسیرهای این مدل پنج مسیر سبک فرزندپروری سهل‌گیر به سبک هیجانی آماده‌ساز، مسیر سبک فرزندپروری سهل‌گیر به سبک هیجانی طردگرا، مسیر سبک فرزندپروری سهل‌گیر به راهبرد مقابله هیجانی، مسیر سبک هیجانی آماده‌ساز به راهبرد مقابله هیجانی و مسیر سبک هیجانی طردگرا به راهبرد مقابله هیجانی، از بارهای عاملی معنادار برخوردار نیستند. بارهای عاملی مسیرهای سبک فرزندپروری مقتدرانه به راهبرد حل مسأله، سبک فرزندپروری مقتدرانه

به سبک هیجانی پردگرا و سبک هیجانی آماده‌ساز به راهبرد اجتنابی معنادار هستند. شاخص‌های برازش مدل نهایی ($\chi^2/df = 1/71$ ، $NFI = 0/92$ ، $CFI = 0/96$ ، $GFI = 0/96$ ، $RAMSEA = 0/082$) نشان‌دهنده برازش نسبتاً مطلوب مدل است. جدول (۳) ضرایب مسیر اثرهای مستقیم، غیرمستقیم و کل در مدل ارائه شد.



شکل ۲: وزن‌های رگرسیونی مسیره‌های متغیرها در مدل نهایی

جدول ۳: ضرایب مسیر اثرهای مستقیم، غیرمستقیم و کل در مدل

مسیرها	اثرهای مستقیم	اثرهای غیرمستقیم	اثرهای کل	واریانس‌های تبیین شده
برسبک هیجانی آماده‌ساز از:				۰/۳۲
سبک فرزندپروری مقتدرانه	۰/۵۱	-	۰/۵۱	
سبک فرزندپروری استبدادی	-۰/۳۲	-	-۰/۳۲	
برسبک هیجانی طردگرا از:				۰/۳۴
سبک فرزندپروری مقتدرانه	-۰/۳۶	-	-۰/۳۶	
سبک فرزندپروری استبدادی	۰/۴۶	-	۰/۴۶	
بر راهبرد مقابله‌ای حل‌مسأله از:				۰/۵۵
سبک فرزندپروری مقتدرانه	۰/۴۱	۰/۳۳*	۰/۷۴	
سبک هیجانی آماده‌ساز	۰/۵۶	-	۰/۵۶	
سبک هیجانی طردگرا	-۰/۴۲	-	-۰/۴۲	
بر راهبرد مقابله‌ای اجتنابی از:				۰/۲۳
سبک هیجانی آماده‌ساز	-۰/۳۸	-	-۰/۳۸	
سبک هیجانی طردگرا	۰/۴۸	-	۰/۴۸	
سبک فرزندپروری استبدادی	۰/۰۷*	۰/۰۷*	۰/۰۷	

*P<0/001

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و راهبردهای مقابله به واسطه‌گری سبک‌های هیجانی در مادران دارای دانش‌آموز پسر دبیرستانی انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که بین سبک هیجانی مادرانه آماده‌ساز و سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه مثبت معناداری وجود دارد و بین سبک هیجانی مادرانه طردگرا و سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه منفی و با مستبدانه رابطه مثبت معناداری یافت شد. اما هر دو سبک‌های هیجانی آماده‌ساز هیجانی و طردگرا با سبک فرزندپروری سهل‌گیر رابطه نداشتند. این یافته‌ها با یافته‌های پژوهش‌های زراءنژاد و همکاران (۲۰۱۵) و گس و همکاران (۲۰۱۵) و آنولا و

همکاران (۲۰۱۵) همخوانی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که والدین دارای سبک فرزندپروری مقتدرانه به هنگام بروز هیجان‌ها در فرزندان، چه خوشایند و چه ناخوشایند صحنه را خالی نمی‌کنند، بلکه آن را فرصتی برای نزدیک شدن بیشتر و تعامل هیجانی و هم‌احساس شدن با فرزند خود تلقی می‌کنند. از سوی دیگر والدینی که سبک فرزندپروری مستبدانه دارند به دلیل اعتقاد به اطاعت بی‌چون‌چرای فرزندان از قوانین والدین و قرارهای خانوادگی، اجازه هرگونه ابراز وجودی را که در تعارض با امیال و خواسته‌های آن‌ها باشد، از فرزندان خود می‌گیرند. آن‌ها حتی از ابراز هیجان‌های فرزندان‌شان در حضورشان جلوگیری می‌کنند. به این دلیل که آسایش آن‌ها را به هم می‌زنند. بنابراین، اقدام به سرکوبی سریع هیجان‌های فرزندان خود می‌کنند. در پژوهش کنونی سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه رابطه‌ای با سبک‌های هیجانی نشان نداد. در این سبک هیجانی به نظر می‌رسد والدین تحت هر شرایطی اهمیتی به هیجانات فرزندان خود نمی‌دهند و از آن‌ها غفلت می‌کنند و حس رهاشدگی در فرزندان ایجاد می‌کنند. بنابراین توجه به هیجانات جایی در فرایند انضباطی آن‌ها ندارد. همچنین در پژوهش حاضر بین سبک هیجانی مادرانه آماده‌ساز با راهبرد مقابله مسئله‌مدار رابطه مثبت مستقیم و معنادار و بین سبک هیجانی مادرانه طردگرا و راهبرد مقابله اجتنابی رابطه مثبت معناداری به دست آمد. این یافته با یافته‌های جین و همکاران (۲۰۱۷) و کرونیس-توسکانو و همکاران (۲۰۱۶) و هارل و همکاران (۲۰۱۷) همخوانی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت فرزندان که آگاهی و هوشیاری هیجانی از طریق روش‌های ارتباطی با والدین به آن‌ها منتقل می‌شود، از این دانش برای رویارویی با موقعیت‌های استرس‌زا به گونه سازنده استفاده می‌کنند. یعنی به جای ترک موقعیت یا مغلوب هیجانات خود شدن، درصدد حل مسئله بر می‌آیند. اما فرزندان که دارای والدین طردگرا به لحاظ هیجانی هستند، به دلیل این‌که در گذشته اغلب از سوی والدین مجبور به صرف‌نظر کردن از تجربه هرگونه هیجان منفی بودند. بنابراین، می‌توان دریافت کیفیت تعاملات هیجانی والدین، اثر مستقیمی بر سازگاری روانی-اجتماعی فرزندان آن‌ها و از جمله سازگاری با موقعیت‌های استرس‌زا دارد. مادرانی که سبک فرزندپروری مقتدرانه دارند خودمختاری هدایت‌گرانه را به فرزندان خود ارائه می‌دهند. آن‌ها از ظرفیت تعامل هیجانی با فرزندان خود برخوردار هستند. در لحظات سرشار از هیجان‌های ناخوشایند فرزندان را به خلاص شدن سریع از چنین موقعیت‌هایی تشویق نمی‌کنند، بلکه آن‌ها را به تفکر درباره ماهیت واقعی این

هیجان‌ها و علل ایجاد آن‌ها می‌کنند. بنابراین، این کودکان در آینده به هنگام مواجهه با موقعیت‌های پر استرس به جای ترک کردن موقعیت بدون نتیجه، به فکر پیدا کردن راه‌حل برای مشکل می‌افتند. مادرانی که سبک فرزندپروری مستبدانه در پیش می‌گیرند، چون از تعامل هیجانی و بهاء دادن به نیازهای هیجانی فرزندان خود دوری می‌کنند و در واقع اعتقادی به هم‌نشینی با فرزندان به هنگام ابراز هیجان‌های منفی ندارند. پیامدهای این شیوه تعامل با فرزندان این خواهد بود که این کودکان در آینده به هنگام مواجهه با موقعیت‌های استرس‌زا موقعیت را ترک می‌کنند، زیرا تحمل تجربه هیجان‌های ناخوشایند برخاسته از آن موقعیت را ندارند. در واقع آن‌ها از دوره کودکی، از والدین خود یادگرفته بودند که از هر گونه تجربه هیجان‌های ناخوشایند دوری کنند. یافته‌ها نشان می‌دهند بین سبک فرزندپروری سهل‌گیر به‌طور مستقیم با سبک مقابله هیجانی و با میانجی سبک هیجانی مادرانه طردگرا رابطه معناداری وجود ندارد و این یافته به اصلاح مدل مفهومی منجر شد. پیشینه پژوهشی برای این یافته مشاهده نشد و به نظر می‌رسد می‌توان در پژوهش‌های آتی به آن توجه کرد. اما در تبیین این یافته می‌توان گفت که روش‌های سهل‌گیرانه در جهت هدایت‌گری هیجانی فرزندان نقشی را ایفا نمی‌کنند و تلاش آن‌ها در جهت گذران زندگی با غفلت از پیامدهای احساسی رفتارشان است. همان‌طور که گاتمن و همکاران (۱۹۹۶) روی دو سبک هیجانی آماده‌ساز و طردگرا مادران متمرکز می‌شوند، به نظر می‌رسد فرزندپروری سهل‌گیر و رای نیازمند سبک هیجانی سهل‌گیرانه است که پژوهش‌های بیشتری را در حوزه هیجان‌ها و تنظیم هیجانی کودکان می‌طلبد. این پژوهش با محدودیت‌هایی همچون تک جنسیتی بودن گروه نمونه و دشواری در هماهنگی با والدین برای مراجعه به مدارس همراه بود. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی تحقیق روی دختران در سنین مختلف و همچنین تأثیر سبک هیجانی مادران بر بروز اختلالات روانی کودکان و نوجوانی مورد توجه محققان قرار گیرد.

تشکر و سپاسگزاری

در پایان از کلیه مادران شرکت‌کننده و کارکنان آموزش و پرورش، که در اجرای این پژوهش ما را یاری کردند، کمال تشکر را داریم.

منابع

- سلیمانی، حمیده و بشاش، لعیان (۱۳۹۱). ساختار عاملی، روایی و پایایی مقیاس سبک‌های هیجانی مادرانه. فصلنامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۱۳(۴۷): ۳۹-۴۸.
- شکری، امید، تقی‌لو، صادق، گراوند، فریبرز، پاییزی، مریم، مولایی، محمد، آزاد عبدالله‌پور، محمد و اکبری، هادی (۱۳۸۷). ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی پرسشنامه مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا. تازه‌های علوم شناختی، ۱۰(۳): ۲۲-۳۳.
- Aunola, K., Ruusunen, A. K., Vijaranta, J. and Numi, J. E. (2015). Parental affection and psychological control as mediators between parent's depressive symptoms and child distress. *Journal of Family Issues*, 36(8): 1022-1042.
- Baumrind, D. (1967). Child care practices antecedent three patterns of preschool behavior. *Genetic Psychology Monographs*, 75(1): 43-88.
- Castro, V. L., Halbrestadt, A. G., Lozada, F. T. and Craig, A. B. (2015). Parents emotion-related beliefs behaviors and skills predict children's recognition of emotion. *Infant Child Development*, 24(1): 1-22.
- Chronis-Tuscano, A., Lewis-Morraty, E., Woods, K. E., O'Brien, K. A., Mazursky-Horowitz, H. and Thomas, S. R. (2016). Parent-child interaction therapy with emotion coaching for preschoolers with attention-deficit/hyperactivity disorder. *Cognitive and Behavioral Practice*, 23(1): 62-78.
- Dunsmore J. C., Booker J. A., Ollendick T. H. and Greene R. W. (2015). Emotion coaching predicts better treatment outcomes for emotionally labile children with oppositional defiant disorder. *Social Development*, 25(1): 8-26.
- Endler, N. S. and Parker, J. D. A. (1994). Assessment of multidimensional coping: Task, emotion, and avoidance strategies. *Psychological Assessment*, 6(1), 50-60.
- England- Mason, G. and Gonzalez, A. (2020). Interning to shape children's emotion regulation: A review of emotion socialization parenting programs for young children. *Emotion*, 20(1): 98-104.
- Gottman, J., Katz, L. F. and Hooven, C. (1996). Parental meta-emotion philosophy and the emotional life of families: Theoretical models and preliminary data. *Journal of Family Psychology*, 10(3): 243-268.
- Gus, L., Rose, J. and Gilbert, L. (2015). Emotion coaching: A universal strategy for supporting and promoting sustainable emotional and behavioral well-being. *Educational and Child Psychology*, 32(1): 31-41.
- He, Y., Gewirtz, A. and Dworkin J. (2015). Parental emotion socialization in military families. *Child Studies in Asia-Pacific Contexts*, 5(1): 1-19.
- Hernandez, E., Smith, C. L., Day, K. L., Neal, A. and Dunsmore, J. C. (2018). Patterns of parental emotion-related discourse and links with children's problem behaviors: A person-centered approach. *Developmental Psychology*, 54(11):

2077-2089.

- Hurrell, K. E., Houwing, F. L. and Hudson, J. K. (2017). Parental meta-emotion philosophy and emotion coaching in families of children and adolescents with an anxiety disorder. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 45(3): 569-582.
- Hurrell, K. E., Hudson, J. L. and Schniering C. A. (2015). Parental reactions to children's negative emotions: relationships with emotion regulation in children with an anxiety disorder. *Journal of Anxiety Disorders*, 29(1): 72-82.
- Jin, Z., Zhang, X. and Han Z. R. (2017). Parental emotion socialization and child psychological adjustment among Chinese urban families: Mediation through child emotion regulation and moderation through dyadic collaboration. *Frontiers in Psychology*, 18(8): 2198-2209.
- Kline, R. B. (2011). *Principles & practice of structural equation modeling* (2nd Ed.). New York: The Guilford Press.
- Lagace-Seguin, D. G. and Coplan, R. J. (2005). Maternal emotional styles and child social adjustment: Assessment, correlates, outcomes and goodness of fit in early childhood. *Journal of Social Development*, 14(4): 613-646.
- Madhu, G. and Dimple, M. (2017). Construction and validation of Parenting Style Scale (PSS), *Shikshan Anreshika*, 7(1), 1-8. doi:10.5958/2348-7534.2017.00001.0.
- Seguin, D. (2016). New directions in parenting research. *Journal of Psychology and Cognition*, 1(1): 1-3.
- Shokri, O., Taghilo, S., Geravand, F., Paizi, M., Moulai, M., Abdelahpur, A. M. and Akbari, H. (2008). Factor structure and psychometric properties of the Farsi version of the Coping Inventory for Stressful Situations (CISS). *Advances in Cognitive Science*, 10(3): 22-33. (Text in Persian).
- Soleimani, H. and Bashash, L. (2012). Factor structure, validity and reliability of the Maternal Emotional Styles Questionnaire (MESQ). *Knowledge & Research in Applied Psychology*, 13(1): 39-48. (Text in Persian)
- Zarra-Nezhad, M., Aunola, K., Kiura, N., Mllola, S. and Moazemi-Goodarzi, A. (2015). Parenting style and childrens emotional development during the first grade: The moderating role of child temperament. *Journal of Psychology & Psychotherapy*, 5(5): 1-12.

**The Relationship between Parenting Styles and Stress Coping
with the Intermediating Role of Emotional Styles among
Mothers of Male Adolescent**

Soodabeh Bassak Nejad*¹, Eydan Yunesi² and Khaled Jenadeleh³

Abstract

The study was conducted to determine the relationship between parenting styles and stress coping strategies with intermediating role of mothers' emotional styles. The research method was descriptive-correlational with path analysis. The population included all 160 mothers of male students in various districts of Ahvaz, who were selected using multistage random sampling. Data collection tools were Séguin and Coplan' Maternal Emotional Styles Questionnaire (MESQ), Baumrind Parenting Style Inventory (BPSI) and Endler and Parker's Coping Inventory for Stressful Situation (CISS). The results were indicative of a significant positive relationship between maternal emotion coaching style, authoritative parenting style and problem solving coping strategy, and there was a negative relationship with authoritarian parenting style. There was also a significant negative relationship between dismissing maternal emotional style with authoritative parenting style and problem-solving coping strategy and a positive relationship with authoritarian parenting style and avoidant coping strategy. Thus, training mothers with emotion coaching style could be useful in effective parent-adolescent communication.

Keywords: *Male adolescents, maternal emotional styles, parenting styles, stress coping*

1.*Corresponding Author: Associate Professor of Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. s.bassak@scu.ac.ir

2. Master of Education Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. eydanyounesy@yahoo.com

3. Master of Clinical Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. kh.jenadeleh61@gmail.com

Submit Date: 2019-02-26

Accept Date: 2020-02-24

DOI: 10.22051/psy.2020.24927.1852

<https://psychstudies.alzahra.ac.ir/>